






The University of Tehran Press

The Transformation of the Legal System in the Context of Cyberspace

Zahra Mohesnpour Ejieh¹  | Bijan Abbasi¹ 

1. Corresponding Author; Ph.D. Student in Public Law, Department of Public Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: zahra.mohesnpour1370@gmail.com
2. Associate Prof., Department of Public Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: babbasi@ut.ac.ir

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article	The growing use of cyberspace has been the source of new challenges in how to organize and regulate people's relationships in cyberspace. There are two different approaches in this regard. The first approach seeks to create a new legal system for cyberspace by emphasizing the characteristics of cyberspace and the other one considers it possible to regulate this space with the existing legal by focusing on the capacities of the legal system and the tools of cyberspace, systems. Adopting any of these approaches in the field of implementation is confronted with challenges; Therefore, this paper using a descriptive-analytical method and library resources concludes that by adopting the middle approach, which eliminates the shortcomings of each approach, the preparations for organizing cyberspace can be provided in a more appropriate way.
Pages: 331-353	
Received: 2021/01/11	
Received in revised form: 2021/05/16	
Accepted: 2021/06/28	
Published online: 2024/03/20	
Keywords: <i>internet, internet access right, self-regulation, cyberspace, legal system.</i>	
How To Cite	Mohesnpour Ejieh, Zahra; Abbasi, Bijan (2024). The Transformation of the Legal System in the Context of Cyberspace. <i>Public Law Studies Quarterly</i> , 54 (1), 331-353. DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2021.316992.2685
DOI	10.22059/JPLSQ.2021.316992.2685
Publisher	University of Tehran Press. 



انتشارات دانشگاه تهران

فصلنامه مطالعات حقوق عمومی

شاپا الکترونیکی: ۸۱۳۹-۲۴۲۳

دوره: ۵۴، شماره: ۱

بهار ۱۴۰۳

Homepage: <http://jplsqt.ut.ac.ir>

دگردیسی نظام حقوقی در زمینه فضای سایبر

زهرا محسن پور اژیبه^۱ | بیژن عباسی^۲

۱. نویسنده مسئول؛ دانشجوی دکتری حقوق عمومی، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

رایانامه: zahra.mohsenpour1370@gmail.com

۲. دانشیار، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: babbasi@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>صفحات: ۳۳۱-۳۵۳</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۲</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۲/۲۶</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۷</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۰۱/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: <i>اینترنت، حق دسترسی به اینترنت، خودتنظیمی، فضای سایبر، نظام حقوقی.</i></p>	<p>گسترش روزافزون استفاده از فضای سایبر منشأ ایجاد چالش‌های جدیدی در ارتباط با نحوه ساماندهی و تنظیم روابط اشخاص در فضای سایبر بوده است. در این زمینه دو رویکرد متفاوت وجود دارد. رویکرد نخست با تأکید بر ویژگی‌های فضای سایبر و همچنین پویایی نظام حقوقی در پی ایجاد یک نظام حقوقی جدید برای فضای سایبر است و رویکرد مقابل با تأکید بر ظرفیت‌های نظام حقوقی و چهره‌آبرازگونه فضای سایبر، تنظیم این فضا با نظام‌های حقوقی موجود را شذنی می‌داند. اتخاذ هر یک از رویکردهای مزبور در حوزه اجرا با چالش‌هایی همراه است؛ از این رو این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به این نتیجه رسیده است که با اتخاذ رویکرد میانه، می‌توان ضمن رفع نواقص هر یک از این رویکردها، مقدمات ساماندهی فضای سایبر را نیز به نحو مناسب‌تری فراهم کرد.</p>
استناد	محسن پور اژیبه، زهرا؛ عباسی، بیژن (۱۴۰۳). دگردیسی نظام حقوقی در زمینه فضای سایبر. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، ۵۴ (۱)، ۳۵۳-۱. DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2021.316992.2685
DOI	10.22059/JPLSQ.2021.316992.2685
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

از زمان انقلاب دیجیتال، رشد گسترده استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات سبب شکل‌گیری شبکه پیچیده‌ای از سیستم‌های شبکه‌ای شده است که به‌عنوان فضای سایبر شناخته می‌شود (1: Tsagourias & Buchan, 2015). از حیث اصطلاحی فضای سایبری به مجموعه محیط‌هایی همچون اینترنت گفته می‌شود که اشخاص در آنها از طریق رایانه‌های متصل به هم، با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند (عالی پور، ۱۳۹۵: ۳۹) البته همان‌گونه که از این تعریف برمی‌آید فضای سایبر در اینترنت خلاصه نمی‌شود (شایگان، ۱۳۹۵: ۳۳۹)، ولیکن اینترنت بارزترین مصداق آن است. این فضا در چند دهه گذشته با رشد زیادی روبه‌رو بوده و امروزه در همه جنبه‌های زندگی بشر نفوذ کرده است. تعداد کاربران اینترنت در سال ۲۰۰۰ میلادی برابر با ۵/۹ درصد از کل جمعیت جهان بوده که این مقدار در سپتامبر ۲۰۲۰ برابر با ۶۳/۲ درصد است. این ارقام در ایران به ترتیب برابر با ۰/۹ و ۸۰/۵ درصد است.^۱ بنابراین می‌توان گفت در عصر حاضر، اینترنت برای بخشی از افراد جامعه به بخش ذاتی زندگی تبدیل شده است.

در این زمینه باید گفت، میلیون‌ها انسان، سازمان و مؤسسه از فضای سایبر برای برقراری ارتباط، جمع‌آوری یا تبادل اطلاعات، خرید و تجارت استفاده می‌کنند و در این میان تهدیدهایی نیز از سوی اشخاص یا دولت‌ها و سازمان‌ها رخ می‌دهد. برای مثال سرقت اینترنتی، کلاهبرداری اینترنتی و نقض مالکیت معنوی از موارد متداولی است که می‌تواند عواقب مالی، شخصی و حتی سیاسی مخربی ایجاد کند. امنیت کشور نیز می‌تواند با حملات سایبری به زیرساخت‌های مهم ملی و منافع ملی در قالب تروریسم و جنگ سایبری به خطر بیفتد که در این صورت دامنه تهدیدهای فضای سایبر فراتر از تصور ظاهر می‌شود؛ برای مثال حمله سایبری استاکس‌نت به سامانه‌های رایانه‌ای نیروگاه‌های هسته‌ای در ایران، خسارات انبوهی به بار آورد؛ از این رو می‌توان گفت فضای سایبر، در کنار فرصت‌های فوق‌العاده‌ای که در اختیار دولت‌ها و افراد می‌گذارد، می‌تواند آسیب‌هایی جدی نیز برای منافع ملی و اشخاص در پی داشته باشد. شایان ذکر است که ویژگی‌های خاص این فضا مانند تعاملی بودن، مرتبط بودن شبکه‌ها، فقدان مرزهای فیزیکی، ناشناس ماندن هویت کاربران، نه تنها فرصت‌ها و تهدیدهای فضای سایبر را بزرگ‌تر و گسترده‌تر از دنیای واقعی می‌کند، بلکه سبب طرح مسائل و چالش‌های حقوقی جدیدی می‌شود که پیش از آن سابقه‌ای در دنیای واقعی نداشته است (1: Tsagourias & Buchan, 2015). برای مثال قابلیت ناشناس ماندن کاربران در این فضا از یک سو، شناسایی بزهکاران را به لحاظ قانونی و

1. www.internetworldstats.com/stats.htm accessed 30 Dec 2020.

فنی دشوار می‌کند و از سوی دیگر به‌عنوان یک فرصت برای پشتیبانی از آزادی بیان اشخاص در برابر اقدامات احتمالی حکومت‌ها ظاهر و به بروز مسائل جدیدی منجر می‌شود. از جمله اینکه آیا می‌توان برای حمایت از آزادی بیان، حق بر بی‌نامی در فضای سایبر را به رسمیت شناخت.

چنین مسائلی، سبب طرح این پرسش بنیادین شده است که تنظیم روابط اشخاص در جهان سایبر یا به‌عبارت بهتر ساماندهی این فضا چگونه صورت بگیرد. آیا نظام‌های حقوقی موجود برای تنظیم فضای سایبر کفایت می‌کنند یا این فضا به‌دلیل خصلت‌های منحصر به فردش از اساس نیاز به یک نظام حقوقی جداگانه دارد؟ در این زمینه در برابر نگاهی که سعی در سامان فضای سایبر با نظم حقوقی موجود دارد، این اندیشه در حال رواج است که فضای سایبر به‌سبب ویژگی‌های خاص خود یک پدیده جدید و منشأ چالش‌ها و پرسش‌های حقوقی نوینی است که از پایه با دیگر پدیده‌های نو فرق دارد. بنابراین نه‌تنها نمی‌توان قواعد مربوط به دنیای واقعی را بر آن حاکم کرد، بلکه نظام حقوقی حاکم بر این فضا باید منطبق با مشخصه‌های ویژه آن باشد.

اندیشه مذکور از منظرهای گوناگونی به تبیین موضوع می‌پردازد که مهم‌ترین وجوه آن را می‌توان در ذیل موضوعات تحول مفهوم حق و تکلیف، وابستگی نظام حقوقی به بسترهای اجرا و پویایی نظام حقوقی یافت. شایان ذکر است دو وجه نخست، به‌طور مشخص بر ضرورت یک نظام حقوقی جدید برای فضای سایبر تأکید می‌کند، ولیکن وجه سوم، تشکیل یک نظام حقوقی نو را به‌سبب ماهیت پویای نظام‌های حقوقی ناگزیر می‌داند؛ اما بر ابزارهای حقوقی جدا از ابزارهای سنتی نظر دارد. در این مقاله با رویکرد تحلیلی-توصیفی به تبیین و بررسی این وجوه و برحسب ضرورت به بررسی اندیشه‌های مخالف در این زمینه می‌پردازیم.

۲. تحول در مفهوم حق و تکلیف

در این خصوص گفته می‌شود که مفهوم حق و تکلیف در فضای سایبر از اساس دچار تحول شده است. به‌عبارت دیگر حق و تکلیف، واقعیت ثابتی ندارد و در برهه‌های مختلف تاریخی دچار تحولات مفهومی شده و از این رو از تغییراتی که به‌واسطه فضای سایبر ایجاد شده، نیز مصون نمانده است. بنابراین در این قسمت، نخست به تحول مفهوم حق و تکلیف در گذر زمان اشاره می‌کنیم. سپس ضمن توضیح علل این دگرگونی‌ها، به تأثیری که تولد فضای سایبر بر تحول این مفاهیم داشته است؛ می‌پردازیم.

۱.۲. مفهوم حق و تکلیف در گذر زمان

از منظر تحولات تاریخی، مهم‌ترین نکته در تاریخ پیدایش حق، تقسیم آن به «حق بودن» و «حق داشتن» است. حق در معنای نخست در مقابل «باطل» قرار می‌گیرد که همیشه در عرصه فکر به‌ویژه فکر سیاسی و اخلاقی وجود داشته است. اما حق در معنای دوم که می‌تواند در مقابل «تکلیف» قرار گیرد، یک محصول فکری تازه است که در پی تلاش‌های نظری و عملی آزادی‌خواهانه انسان در دوران مدرن متولد شده است (گلدینگ، ۱۹۷۸: ۱۸۱-۱۸۷). در توضیح مفهوم اخیر باید گفت هوفلد، یکی از بهترین تقسیم‌بندی‌ها از مفهوم حق را ارائه می‌دهد. از نظر هوفلد، واژه حق می‌تواند چهار رابطه حقوقی را در برگیرد که عبارت‌اند از: حق - ادعا، حق - امتیاز، حق - قدرت و حق - مصونیت (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۰: ۲۱۱). بنابراین می‌توان گفت، مفهوم حق در دو معنای حق داشتن و حق بودن هیچ‌سختی با یکدیگر ندارد و فقط دارای اشتراک لفظی است. در این میان، مفهوم حق در معنای حق داشتن و متقابلاً مفهوم تکلیف نیز بنابر عللی که در ادامه از آنها سخن رانده می‌شود، تحولات مفهومی زیادی را پشت سر گذاشته‌اند.

۲.۲. علل تحول در مفهوم حق و تکلیف

در خصوص علل ایجاد تحولات در مفهوم حق و تکلیف اندیشه‌های گوناگونی مطرح شده است. از مهم‌ترین اندیشمندان این حوزه امیل دورکیم، کارل مارکس و ماکس وبر است. دورکیم، در یک تحلیل ساختاری - جمعیتی، تغییر جامعه سنتی به مدرن، مسئله افزایش جمعیت و تغییر روابط مکانیکی به ارگانیک را به‌عنوان علل این دگرگونی دانسته است (جاوید و انواری، ۱۳۸۹: ۷۷-۷۹). وی معتقد است هیچ جامعه‌ای بر شباهت کامل یا تفاوت مطلق استوار نیست و هرچه تمدن به جلو حرکت می‌کند؛ ضرورت ایجاد همبستگی ارگانیک افزون‌تر می‌شود (بشیریه، ۱۳۸۳: ۷۸۹). تحلیل مارکس از شکل‌گیری جامعه مدرن عمدتاً تأکید بر عوامل ساختاری - اقتصادی است. وی ایجاد نیروهای تولید جدید در پی رشد صنعتی و به‌تبع آن تغییر روابط تولید را عامل گذر دنیای سنت به عصر مدرن می‌داند (جاوید و انواری، ۱۳۸۹: ۷۹). بنابراین می‌توان گفت در این دیدگاه مسائل اقتصادی یا به‌عبارت بهتر تغییر در روابط اقتصادی، مهم‌ترین عامل دانسته می‌شود. ولیکن در آغاز قرن بیستم زمانی که مارکسیست‌ها، همه تحولات اجتماعی را برآمده از «زیربنای» اقتصادی می‌پنداشتند و معنویات و اخلاقیات جوامع را در مجموع ناشی از «مادیات» می‌دانستند؛ وبر بیان کرد، تنها معنویات ذهنی، یعنی پندار و کردار اخلاقی نهفته در آیین پروتستان توانسته است شرایط لازم را برای توسعه اقتصادی و صنعتی نظام سرمایه‌داری در غرب ایجاد کند (تفضلی، ۱۳۸۵: ۹۰). البته در توضیح این علل باید گفت، نمی‌توان به‌صورت تک‌علتی

به موضوع پرداخت. همگی این تحولات در یک مسیر تاریخی سبب شکل‌گیری شناخت تازه‌ای شده‌اند که ماحصل آن را می‌توان در اعلامیه جهانی حقوق بشر دید (جاوید و انواری، ۱۳۸۹: ۷۹)، ولیکن در این زمینه ظهور فضای سایبر به‌عنوان یک پدیده تکنولوژیک می‌تواند مناسبات مذکور را تغییر دهد و در کنار دیگر عوامل یا حتی قوی‌تر از آنها ظاهر شود.

۳.۲. تحول مفهوم حق و تکلیف در فضای سایبر

محیط سایبر به دلیل ماهیت خاص شبکه، نقش گسترده‌ای در تحولات اجتماعی و اقتصادی جوامع ایفا می‌کند. در این محیط مناسبات مربوط به روابط انسانی و به تبع آن مفهوم حق و تکلیف، کاملاً جدا از دنیای واقعی است؛ بنابراین در این بستر نه تنها حق‌ها و تکالیف اشخاص دچار دگرگونی عمیقی می‌شود، بلکه حق‌ها و تکالیف تازه‌ای نیز شناسایی شده که وابسته به همین فضاست و نظم بخشیدن به آن با قواعد سنتی موجود ناممکن است. در این خصوص دو دسته از حق‌ها و تکالیف از یکدیگر تمییز داده شده‌اند:

دسته یکم، حق‌ها و تکالیفی است که در جهان فیزیکی نیز وجود دارد، لیکن ماهیت این دسته از حق‌ها و تکالیف در دنیای سایبر با دنیای فیزیکی متفاوت است؛ مانند «آزادی بیان». در واقع فضای سایبر با قابلیت‌های رسانه‌ای جدید خود تحولی بنیادین در این عرصه رقم زده است؛ به نحوی که دیگر رسانه‌های ارتباط جمعی به حاشیه رانده شده‌اند. برای مثال این فضا، برقراری ارتباط دوطرفه را فراهم می‌سازد و برخلاف سایر رسانه‌ها، نقش کاربر را از یک دریافت‌کننده منفعل به یک دریافت‌کننده و ناشر فعال اطلاعات با کمترین محدودیت و گسترده‌ترین دامنه ارتقا می‌دهد (Naughton, 2000: xii). می‌توانیم این وضعیت را با فرایند دشوار اخذ مجوز برای چاپ روزنامه مقایسه کنیم. این ویژگی‌ها زمانی اهمیت خود را نشان می‌دهد که بدانیم در این فضا برخلاف جهان فیزیکی که پیوسته بر رسانه‌های جمعی، نظارت پسینی و پیشینی صورت می‌گیرد؛ به سبب ماهیت بدون مرز و امکان به‌کارگیری هویت‌های ناشناس، محیطی ایجاد شده است که نظارت بر رفتارها را به شدت دشوار می‌سازد (جلالی فراهانی، ۱۳۸۶: ۶۷-۶۹). البته در مقابل استدلال می‌شود که هرچند به درستی می‌توان گفت، این فضا تحولات شگرفی در خصوص حق‌هایی مانند آزادی بیان ایجاد کرده، ولیکن این تحولات فقط به تغییر وضعیت چنین حق‌هایی منجر شده است (نه تغییر ماهیت)؛ از این رو نتیجه می‌شود که همچنان می‌توان از قواعد موجود برای نظم‌بخشی به آنها بهره برد.

دسته دوم، حق‌ها و تکالیفی است که هستی آنها به هستی فضای سایبر وابسته است و تا پیش از پیدایش فضای سایبر، این دسته از حق‌ها و تکالیف اصلاً وجود نداشته است؛ مانند شناسایی حقی تحت

عنوان «حق دسترسی به اینترنت». این حق در پی تشکیل فضای سایبر و ایجاد شکاف دیجیتالی در جامعه به وجود آمد. بر این اساس افراد جامعه بر مبنای دارا بودن «فرصت دسترسی به رایانه و اینترنت» به دو گروه تقسیم می‌شوند. البته در کنار فرصت دسترسی به رایانه و اینترنت، «فرصت یادگیری نحوه استفاده از رایانه و اینترنت» نیز مورد توجه است. شایان ذکر است در این زمینه طبق آمارهای مختلف^۱ گروه‌هایی که بیشتر تحت تأثیر شکاف دیجیتالی قرار می‌گیرند؛ اغلب از سنخ همان گروه‌هایی هستند که در طول سالیان متمادی برای حقوق شهروندی خویش نیز مبارزه کرده‌اند؛ مانند اقلیت‌های نژادی، معلولان و کسانی که انگلیسی برای آن‌ها زبان دوم است (First & Hart, 2002: 385). بنابراین گفته می‌شود حق دسترسی به اینترنت برای تضمین دستیابی همه اقشار جامعه به اینترنت به وجود آمد. البته در مقابل، دیدگاه مخالفی وجود دارد که حق‌های ناشی از این فضا مانند دسترسی به اینترنت را در زمره حق‌های بشری به‌شمار نمی‌آورد و در نتیجه نظام حقوقی جداگانه‌ای را نیز برای ساماندهی و پشتیبانی از آنها لازم نمی‌داند.

بنابراین به‌طور کلی در مورد شناسایی حق‌های نوین ناشی از فضای سایبر، دو دیدگاه وجود داد: دیدگاه نخست، منکر وجود چنین حق‌هایی است. از این نظر، اولاً فضای سایبر یک ابزار صرف است که نمی‌تواند عاملی برای دگرگونی معادلات اقتصادی و اجتماعی جوامع و در نتیجه ایجاد حق‌ها و تکالیف جدید باشد و ثانیاً شناسایی حق‌های تازه باید در صورت دارا بودن ارزش افزوده قابل توجه در حمایت از حق‌های موجود انجام شود؛ در غیر این صورت به تورم حقوق و در نتیجه کاهش ارزش سایر حق‌های به رسمیت شناخته شده منجر می‌شود (Kuner, 2008: 307-317 & Leenes et al., 2008: 294). این در حالی است که اگرچه حق‌های ناشی از فضای سایبر گاهی تسهیل‌کننده دستیابی به دیگر حق‌های بنیادین‌اند، اما لازمه دستیابی به آنها نیستند (Skepys, 2013: 20). بنابراین مطابق این اندیشه حق‌های ناشی از فضای سایبر به رسمیت شناخته نمی‌شود. اما دیدگاه دوم، یا حق‌های ناشی از فضای سایبر را به‌طور مستقل به رسمیت می‌شناسد و قواعد حقوقی نوینی را برای پشتیبانی از آنها ضروری می‌داند و یا حق‌های ناشی از فضای سایبر را در ذیل دیگر حق‌های بنیادین تعریف می‌کند و قواعد حاکم بر حق‌های مذکور را برای پشتیبانی از حق‌های نوین و تکالیف ناشی از آن، کافی می‌داند. برای مثال مطابق دیدگاه اخیر، حق دسترسی به اینترنت در ذیل عبارت «یا به هر وسیله دیگر» در بند ۲ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی

۱. تحقیقات مختلفی در این زمینه صورت گرفته است؛ مثلاً در سال ۲۰۰۰ میلادی در آمریکا، فقط ۲۱/۶ درصد افراد دارای معلولیت به اینترنت دسترسی داشتند. این رقم در مورد افراد فاقد معلولیت ۴۲/۱ درصد بوده است. هم‌چنین میزان استفاده از اینترنت در میان سفیدپوستان ۵۰/۳ درصد و آفریقایی-آمریکایی‌ها ۲۹/۳ درصد بوده است. ر.ک: U.S. Department of Commerce Report, 2000, XVI.

حقوق مدنی و سیاسی^۱ که در خصوص آزادی بیان است، قرار می‌گیرد و در نتیجه اسناد مربوط به آزادی بیان نیز برای پشتیبانی از این حق کفایت می‌کند. البته در این میان آنچه مشخص است آن است که هم در سطح داخلی و هم در سطح بین‌المللی با تصویب قانون^۲، ایجاد رویه قضایی^۳، تفسیر معاهدات^۴ و یا انتشار گزارش‌های ترویجی ابعاد مفهومی و مصداقی این حق، تا حدودی روشن شده است. در نظام حقوقی ج.ا.ا نیز حمایت از دسترسی به اینترنت با نگاهی به ارتباط اینترنت و خدمات سودمندی که به مردم ارائه می‌دهد، مورد توجه قرار گرفته است. نخستین مصوبه در این زمینه «مقررات و ضوابط شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای» مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی است. اهداف این مصوبه عبارت‌اند از «حق دسترسی آزاد مردم به اطلاعات و دانش» و «ایجاد حداکثر سهولت در ارائه خدمات اطلاع‌رسانی و اینترنت». این عبارات در دیگر مصوبه‌های مرتبط از جمله «آیین‌نامه ساماندهی فعالیت پایگاه‌های اطلاع‌رسانی (سایت‌های) اینترنتی» و «سیاست‌های کلی نظام اداری» تکرار شده است (انصاری، ۱۳۹۹: ۵۲). ولیکن در نظام حقوقی ج.ا.ا علی‌رغم شناسایی ضمنی حق دسترسی به اینترنت در اسناد مذکور، رویه روشنی برای پشتیبانی از این حق وجود ندارد و در بیشتر موارد به فضای سایبر به مثابه دیگر رسانه‌های جمعی نگریسته شده است.

۳. وابستگی نظام حقوقی به بسترهای اجرا

در این زمینه گفته می‌شود، نظام‌های حقوقی یک ماهیت مطلق و ذاتی ندارند؛ بلکه تابعی از بسترهای اجرای خود هستند و بی‌توجهی آنها به زمینه‌های اجرایی از موانع اصلی برای استقرار حاکمیت قانون است. در واقع یکی از ویژگی‌های مهم قانون که در نظریه حاکمیت قانون به آن اشاره شده، لازم‌الاجرا

۱. بند ۲ ماده ۱۹: «۲- هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات خواه شفاهاً یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود است.»

۲. برای نمونه، مطابق ماده ۵-الف قانون اساسی یونان، همه افراد حق شرکت در جامعه اطلاعاتی را دارند و دولت باید تولید، تبادل، انتشار و دسترسی به اطلاعات الکترونیکی را تسهیل کند.

۳. برای نمونه دیوان اروپایی حقوق بشر در قضیه هنریکا جانکوفسکیس علیه لیتوانی با استناد به ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر از حق دسترسی زندانیان به اینترنت البته با رعایت برخی قیود دفاع کرده است. ر.ک: ECHR, 2008, Para. 49.

۴. برای نمونه، تفسیر جدید سازمان ملل متحد نیز در ذیل ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی بیان می‌کند، با توجه به اینکه تحولات در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات، دولت‌ها باید اقدامات لازم را برای اطمینان از دسترسی همه اشخاص به فناوری (دسترسی به اینترنت) انجام دهند. ر.ک: CCPR/C/GC/34, 2011: para. 14-16.

بودن و امکان پیروی از آن است (بیکس، ۱۳۸۹: ۲۶۲-۲۶۳) و یکی از لوازم اصلی تحقق این هدف، ابتدای نظام‌های حقوقی بر بسترهای اجرایی است؛ از این رو در ادامه نخست به بررسی مفهوم بستر و مهم‌ترین ویژگی‌های بستر فضای سایبر و سپس آثار آن بر نظام حقوقی می‌پردازیم.

۱.۳. مفهوم بستر فضای سایبر

به کار بردن واژه «بستر» در مورد محیط سایبر بیانگر جایگاه این فضا است که هم‌اندازه جهان واقعی و حتی بزرگ‌تر از آن است و از ابزارهایی همچون رایانه، شبکه، اطلاعات و موج آفریده شده است (عالی پور، ۱۳۹۵: ۳۱). بر این اساس زمانی که از فضای سایبر با عنوان فضا یا بستر یاد شود، مراد آن است که این فضا فراتر از پدیده و به‌عنوان یک سپهر نو، هم‌تراز با زندگی طبیعی بشر است که درون خود پدیده‌های تازه‌ای دارد و هر روز گسترده‌تر و فراگیرتر می‌شود. بنابراین با توجه به اینکه این فضا یک سپهر نو است، نظام حقوقی موجود که برگرفته از بستر دنیای واقعی است، تاب آن را ندارد که زیست سایبری امروزی را ضابطه‌مند کند (عالی پور و بکرنگی، ۱۳۹۷: ۸۳-۸۴). به سخن دیگر قوانینی که در دنیای واقعی ایجاد شده‌اند، مبتنی بر الزامات و محدودیت‌های همان دنیا مانند محدودیت‌های جغرافیایی و فیزیکی هستند؛ حال آنکه در فضای سایبر نه‌تنها محدودیت‌های مذکور وجود ندارد، بلکه این فضا ویژگی‌های منحصر به فرد دیگری نیز دارد که اساساً آن را از دنیای واقعی جدا و اعمال نظام حقوقی موجود بر آن را ناکارآمد می‌کند.

۲.۳. ویژگی‌های فضای سایبر در ارتباط با مفهوم بستر

مهم‌ترین ویژگی‌های مرتبط با شکل‌گیری یک بستر جداگانه در دنیای سایبر عبارت‌اند از فقدان مرزبندی فیزیکی، مرتبط بودن شبکه‌ها، عدم تمرکز، مخفی و نهان بودن هویت کاربران و روند سریع تحولات که در ادامه به تبیین و بررسی آنها می‌پردازیم:

فقدان مرزبندی فیزیکی: در فضای سایبر برخلاف دنیای واقعی، نیازی به جابه‌جایی‌های فیزیکی نیست و همه اعمال از طریق فشار دادن کلیدها یا حرکت‌های ماوس انجام می‌شود (ویسی، ۱۳۸۸: ۲۵-۲۹). در واقع همان‌طور که جانسون و پست بیان کرده‌اند، فضای سایبر برخلاف دنیای واقعی به‌جای مرزهای فیزیکی با مرزهایی محدود شده است که آن را از فضاهای محدودی که مشمول مقررات قانونی هستند، متمایز و قلمرو جدیدی برای فعالیت‌های انسان ایجاد می‌کند (Jonson & Post, 1996).

1367). به عبارت دقیق تر فضای سایبر بدون هیچ گونه تأملی درباره مرزهای ملی طراحی شده^۱ و رعایت جغرافیای فیزیکی و سیاسی در این فضا ناممکن است. با نبود مرز و سرزمین در معنای سنتی، حضور و فعالیت اشخاص در فضای سایبر، فراتر از مرزهای ملی و در سطح جهانی صورت می گیرد (قاجارقیونلو، ۱۳۹۱: ۲۱۲)، ولیکن این ویژگی، چالش‌های بسیاری نیز به همراه دارد؛ از جمله حاکمیت قوانین و مقررات مختلف بر این فضا و در نتیجه نقض اصل قانونی بودن جرم و مجازات و منع مجازات مضاعف.

مرتبط بودن شبکه‌ها: در این زمینه از اینترنت به عنوان شبکه شبکه‌ها تعبیر می‌شود؛ زیرا فلسفه وجودی آن، اتصال شبکه‌های مختلف رایانه‌ای مانند شبکه‌های محلی، شبکه‌های گسترده و شبکه جهانی وب به یکدیگر است (حافظنیا، ۱۳۹۰: ۵۹). این شبکه‌ها از طریق «سرپل‌های» متعدد و در یک سطح جهانی با یکدیگر مرتبط‌اند و نه تنها در صورت آسیب دیدن یک عنصر یا گره در شبکه، متلاشی نمی‌شود، بلکه به طور مدام به بازسازی خود نیز می‌پردازند. بنابراین می‌توان گفت که شبکه‌های سایبر به یکی از بسترهای زندگی در عصر اطلاعات بدل شده‌اند که تعامل در آنها فارغ از دغدغه‌های فضای فیزیکی صورت می‌گیرد و با پیکربندی در سطح گسترده‌ای در درون و برون شبکه عمل می‌کنند و در این زمینه نیروی عظیمی را به وجود می‌آورند. شبکه‌های فضای سایبر، علاوه بر آفرینش «سرمایه اجتماعی» و «قدرت»، در ایجاد موج‌های اجتماعی در محیط واقعی نیز نقش‌آفرین هستند (خانیک‌ی و بابائی، ۱۳۹۰: ۸۱). بنابراین مرتبط بودن شبکه‌ها، هم نحوه تعامل در این فضا را از دنیای واقعی جدا می‌کند و هم می‌تواند تأثیرات مثبت و منفی عمیقی بر تحولات اجتماعی دنیای واقعی بگذارد.

عدم تمرکز و فقدان حاکمیت مرکزی: در فضای سایبر علی‌رغم وجود ابعاد فراملی و جهانی، هیچ سازمان مرکزی و واحدی برای کنترل عضویت اشخاص یا کنترل ورود اطلاعات به آن وجود ندارد. البته این شبکه به لحاظ فنی برای مدیریت آدرس‌ها و نام‌های اینترنتی و به لحاظ عملکردی برای تأمین عملکرد ایمن و پایدار شبکه، تحت مدیریت «شرکت اینترنتی برای نام‌ها و اعداد واگذار شده» به نام «ایکان» قرار دارد، ولی مدیریت ایکان بر فضای سایبر جدا از کنترل حقوقی و سیاسی این فضا است (حافظنیا، ۱۳۹۰: ۱۵۹). در واقع ایکان نمی‌تواند به عنوان یک مرکز کنترل فضای سایبر در ابعاد حقوقی و سیاسی در نظر گرفته شود. این ویژگی نیز منشأ فرصت‌ها و چالش‌های بسیاری است؛ برای مثال از یک سو می‌تواند تضمین‌کننده جریان آزاد اطلاعات، باشد و از سوی دیگر، می‌تواند حکمروایی دولت‌ها بر فضای سایبر یا به عبارتی تدوین استانداردها، سیاست‌ها، قوانین و مقررات و اجرای آنها در این فضا را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

1. www.nytimes.com/2001/03/15/technology/welcome-to-the-web-passport-please.html

مخفی و نهان بودن هویت کاربران: در این فضا برخلاف دنیای فیزیکی که پنهان کردن هویت و موقعیت جغرافیایی به سختی امکان پذیر است؛ از لحاظ فنی این امکان وجود دارد که شخص بتواند جنس، نژاد، طبقه اجتماعی و موقعیت جغرافیایی خود را پنهان سازد و هویتی نو برای خود شناسایی کند و بر اساس آن به تعامل با دیگران بپردازد (حافظنیا، ۱۳۹۰: ۱۲۶). البته موقعیت جغرافیایی رایانه (نه کاربر) در فضای سایبر از طریق آدرس اینترنتی و با نرم افزارهای مربوط قابل ردیابی است ولیکن آدرس اینترنتی لزوماً با موقعیت جغرافیایی رایانه یکی نیست؛ زیرا نرم افزارهایی وجود دارد که به وسیله آن می توان موقعیت خود را به محل دیگری به جز محل واقعی تغییر داد (عقیقی، ۱۳۹۶: ۳۳). مخفی بودن هویت کاربران ضمن اینکه می تواند به عنوان یک پشتیبان برای آزادی بیان دگراندیشان در مقابل اقدامات احتمالی حکومت ها عمل کند، می تواند فضای سایبر را به بستر امن بزهکاران واقعی نیز مبدل سازد.

روند سریع تحولات: فضای سایبر به عنوان یک پدیده تکنولوژیک و ابزارهای مرتبط با آن مانند رایانه از ابتدای شکل گیری تاکنون تحولات بسیاری را پشت سر گذاشته اند. روند این تحولات به قدری سریع بوده است که گفته می شود «آنچه امروز ما در مورد دنیای سایبر می دانیم اگر نگوئیم تا چند ماه دیگر، دست کم تا چند سال دیگر منسوخ می شود» (Pasquale & Cockfield, 2018; 837). در این زمینه روند سریع تغییر فضای سایبر در کنار دستاوردهایی که در حوزه های مختلف مانند گسترش آزادی بیان و دسترسی آزاد به اطلاعات برای اشخاص در پی دارد، محدودیت هایی نیز در ارتباط با اعمال نظام حقوقی موجود به همراه دارد؛ زیرا فرایند تصویب قوانین داخلی و معاهدات بین المللی به قدری طولانی است که پس از تصویب آن ممکن است موضوعی که برای آن، مبادرت به تصویب قانون یا معاهده شده است به طور کامل منتفی یا دگرگون شده باشد.

۳.۳. آثار تلقی فضای سایبر به عنوان یک بستر

حاکمیت یک نظام حقوقی بر فضای سایبر بدون توجه به مفهوم بستر در آن، چالش های زیادی از لحاظ شکلی و ماهوی در پی دارد. مهم ترین چالش از حیث شکلی، اعمال صلاحیت های قانونی، قضایی و اجرایی دولت ها در فضای سایبر است. شایان ذکر است صلاحیت قانونی شامل صلاحیت سرزمینی، شخصی، واقعی، عینی و جهانی است (کدخدایی و وکیل، ۱۳۹۴: ۱۸۸) و اعمال هر یک از این صلاحیت ها به نحوی تحت تأثیر ویژگی های خاص فضای سایبر قرار می گیرد. برای مثال اعمال صلاحیت سرزمینی به دلیل فقدان مرزهای فیزیکی در این فضا بسیار دشوار است؛ زیرا اعمال این صلاحیت مستلزم وجود مرزهای دقیق است تا از این طریق قوانین و مقررات بتوانند در حیطه آن عینیت پیدا کنند (ضیایی و

شکيب‌نژاد، ۱۳۹۶: ۲۳۱) يا همچنين اعمال صلاحيت شخصي، تحت تأثير پنهان بودن هويت کاربران در دنياي سايبير قرار مي‌گيرد، زيرا يك دولت در صورتی مي‌تواند صلاحيت شخصي خود را اعمال کند که تابعيت کاربران برای وی قابل احراز باشد (Akehurst, 1973: 45)، حال آنکه به موجب قابليت‌های فني فضای سايبير تحقق اين امر، تقريباً ناممکن است.

اعمال صلاحيت قضايي نيز به همين شکل همراه با چالش‌های فراواني است، زيرا اعمال صلاحيت قضايي منوط به آن است که ارتباط اشخاص يا اموال با آن دولت منطقی و کافی باشد (Akehurst, 1973: 45)، وليکن در اين فضا نامشخص بودن هويت و موقعيت جغرافيايي اشخاص و اموال، مانع از کشف اين ارتباط است. در خصوص صلاحيت اجرائي نيز بايد گفت که اعمال اين صلاحيت همچون دنياي واقعي ممکن نيست؛ زيرا اين صلاحيت به معنای قدرت دولت در استفاده از منابع دولتي برای ملزم کردن ديگران به اطاعت از قوانين و مقررات يا اعمال مجازات از طريق دادگاه‌ها و نيروهای اجرائي، پليس و ديگر اقدامات غيرقضايي است (کدخدایی و وکیل، ۱۳۹۴: ۱۹۹)، حال آنکه در فضای سايبير به دليل نبود مرزهای فزيکی و همچنين ماهيت تمرکزگريز اين فضا، حاکمان توانايی اعمال کامل قدرت خود بر کاربران را ندارند و اين باعث می‌شود نظارت دولت مرکزی بر کاربران هنگامي که به حوزه ديگری ورود پيدا می‌کنند؛ ناکارآمد شود (Lessig, 2006: 3). البته در مقابل اندیشه‌ای وجود دارد که تز عدم حاکميت دولت‌ها بر فضای سايبير را مورد نقد قرار می‌دهد؛ برای مثال از نظر جک گلداسمیت، در نارسايی صلاحيت قدرت حاکميت در فضای سايبير اغراق شده است و دولت‌ها در اين فضا همچنان می‌توانند اثرات محلی فعاليت‌های فراسرزميني را تنظيم کنند (Goldsmith, 1998: 1199)، وليکن در اين مورد اتفاق نظر وجود دارد که در هر صورت توانايی اعمال قدرت در دنياي سايبير به اندازه دنياي واقعي نيست. علاوه بر چالش‌های ناشی از اعمال صلاحيت، از لحاظ ماهوی بايد گفت که با پيدایش فضای سايبير، پرسش‌های حقوقی جديدي مطرح شده است. در اين خصوص گفته می‌شود که اين پرسش‌ها به اندازه کافی نو هستند که نتوان آنها را با قواعد حقوقی حاکم و با مقایسه مسائل در دنياي واقعي و سايبير پاسخ داد؛ برای مثال آیا می‌توان به جرائم رخ داده در فضای سايبير با همان اصول دادرسی جزايی کنونی رسيدگی کرد و انتظار تأمین عدالت داشت؟ در پاسخ بايد گفت فقط در حالي می‌توان مسائل حقوقی ايجادشده در بستر فضای سايبير را با نظام‌های حقوقی کنونی حل کرد که يك نظام حقوقی بسيار ساده وجود داشته باشد که بتوان تغييرات ناشی از پيشرفت فناوری را به راحتی در آن اعمال کرد و اين در حالي است که وجود يك نظام حقوقی ساده فقط به‌طور ذهنی قابل تصور است (Hardy, 1994: 996-997). در حقيقت فرض وجود يك نظام حقوقی ساده که بتوان آن را بر چالش‌های تازه حقوقی در بستر فضای سايبير نيز حاکم کرد، محال است.

علاوه بر این در صورتی که قوانین و مقررات در دنیای واقعی به قدری کلی تنظیم شده باشند که بتوان آنها را بر فضای سایبر با ویژگی‌های خاص آن نیز حاکم کرد، نتایج نامناسبی به بار می‌آید. به سخن دیگر چنین سطح بالایی از کلی بودن عواقب زیان‌باری در پی دارد که مهم‌ترین آن، ناتوانی در عمل به قانون است؛ زیرا با حصول نتایج متفاوت از واقعیت‌های مشابه، شهروندان دچار سردرگمی می‌شوند و این موضوع رعایت قوانین را سخت می‌کند. در این خصوص، فرض کنید «الف» از «ب» یک پیام در یک پیام‌رسان، دریافت و آن را برای «پ» ارسال می‌کند. «پ» که شناختی از «ب» ندارد، آن پیام را در یک گروه آنلاین با هزاران کاربر به اشتراک می‌گذارد. حال اگر «ب» از انتشار آن در سطح وسیع ناراضی باشد، آیا دلیلی برای اقدام علیه «الف» یا «پ» دارد؟ آیا با قوانین فعلی می‌توان به حل این مسئله پرداخت؟ در پاسخ باید گفت که کپی و ارسال پیام در فضای سایبر یک عمل رایج است و خیلی از کاربران احتمال غیرقانونی بودن آن را در نظر نمی‌گیرند. بی‌شک در فضای واقعی، قوانین شفاف مرتبط با کپی‌رایت و حریم خصوصی وجود دارد، اما در جهان واقعی کپی و ارسال یک پیام برای هزاران نفر وقت و هزینه زیادی می‌طلبد. بنابراین این مثال با حالتی که فردی یک کتاب را در تعداد زیاد چاپ و میان مردم پخش می‌کند، فرق دارد (Hardy, 1997: 997). البته باید گفت لزوماً هر آنچه در دنیای سایبر رخ دهد، یک موضوع جدید نیست؛ برای مثال در حالت کلی آیا ارسال یک ایمیل با یک نامه از لحاظ ماهوی با یکدیگر تفاوت دارند؟ در این مورد از فضای سایبر به‌عنوان یک ابزار برای برقراری ارتباط استفاده شده است و هیچ چیز مربوط به خود محیط اتصال وجود ندارد که در اینجا مهم یا با سایر ابزارهای ارتباطی متفاوت باشد.

۴. پویایی نظام حقوقی

در این زمینه گفته می‌شود، نظام حقوقی یک موجود زنده است که برای رفع چالش‌های جدید نیاز به تکامل مداوم دارد (Odello & Cavandoli, 2014: 3). در واقع همواره «یک تعامل دائمی میان نظام حقوقی با نظام‌های سیاسی، اقتصادی و اداری وجود دارد» (Orianne, 1983: 440)، بدین معنا که نظام حقوقی منعکس‌کننده تحولات جامعه است؛ نه حقایق ابدی (Hert, Kloza, 2012). بنابراین نظام حقوقی ذاتاً در پیوند با عصر حاضر نیز که از آن به‌عنوان «عصر اطلاعات» یاد می‌شود، تغییر می‌کند. از این رو در این زمینه نخست به‌عنوان شاهدهی بر این سخن، به تحولاتی که نظام‌های حقوقی در دوران انقلاب صنعتی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رخدادها در این حوزه، سپری کرده‌اند و سپس شواهد قانونگذاری در فضای سایبر اشاره می‌کنیم و در نهایت ابزارهای حقوقی مناسب برای ضابطه‌مندی دنیای سایبر را بررسی می‌کنیم.

۱.۴. تحول نظام‌های حقوقی

انقلاب صنعتی یکی از مهم‌ترین رخدادهایی است که در نتیجه آن بیشتر نظام‌های حقوقی از نظام مبتنی بر عرف به نظام مبتنی بر قانون اساسی مدون گرایش پیدا کردند؛ چراکه این انقلاب، سبب تغییرات بسیار در مناسبات سیاسی و اقتصادی جوامع شد. در این دوران قدرت اقتصادی جوامع به طبقه بورژوازی انتقال یافت و روابط اجتماعی در چنین فضایی خواهان حکومت قانون و روال تازه‌ای بود که بر پایه آن بتوان جامعه را در قالب نو اداره کرد، زیرا روابط نابسامان جامعه صنعتی دیگر در حال وهوای گذشته و بر اساس سنت، عرف و احساس شرف قابل تنظیم نبود. به‌ویژه اینکه عرف موجود در آن زمان برگرفته از نظام فئودالی بود. در واقع این عرف نمی‌توانست گرایش‌های آزادی‌خواهی و قانون‌گرایی را سیراب کند. به همین دلیل جنبش دستورگرایی برای تدوین قانون اساسی‌های نوشته‌شده رواج گرفت و به‌جز برخی از کشورهای که به سنت‌ها و عرف خود وفادار ماندند، این جنبش تقریباً چهره جهانی یافت (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۹۲: ۴۰-۴۲). بنابراین باید گفت با توجه به اینکه فضای سایبر یک ابزار صرف نیست و می‌تواند منشأ تغییرات اجتماعی و اقتصادی در سطح گسترده شود؛ از این رو با درآمیختن زندگی بشر با این فضا نیز هنجارهای حقوقی به تدریج خود را با تحولات ناشی از آن سازگار می‌کنند.

شایان ذکر است پویایی نظام حقوقی در رسیدگی‌های قضایی نیز خود را در قالب «اصل تفسیر پویا و تکاملی» نشان می‌دهد. به موجب این اصل، شرایط زندگی و متغیرهای اجتماعی در تفسیر معاهده به‌کارگرفته می‌شود برای مثال دیوان اروپایی حقوق بشر در تفسیر حق‌هایی که به‌طور روشن در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر پیش‌بینی نشده و به‌تبع تضمین‌هایی نیز برای آن در نظر گرفته نشده است، از اصل مذکور بهره می‌گیرد (ویژه، ۱۳۸۳: ۱۱۶-۱۱۷). دیوان، نخستین بار در سال ۱۹۷۸ میلادی در قضیه تایرر علیه انگلستان از عبارت تفسیر پویا استفاده کرد و تنبیه بدنی کودکان را نقض ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۱ دانست. نتیجه مهم پرونده مذکور این بود که «کنوانسیون یک سند زنده است که باید بر اساس شرایط امروزی تفسیر شود. دیوان نمی‌تواند تحت تأثیر تحولات و استانداردهای معمول پذیرفته‌شده در سیاست کیفری کشورهای عضو شورای اروپا در این زمینه قرار نگیرد». (European Human Rights Reports, 1978: para. 9-10) از این اصل در آرای مراجع قضایی دیگر از جمله دیوان بین‌المللی دادگستری نیز استفاده شده است. در این زمینه می‌توان به قضیه کشتی‌رانی و حقوق مربوط به آن در سال ۲۰۰۹ میلادی و قضیه کارخانه خمیر کاغذ مجاور رودخانه اروگوئه در سال ۲۰۱۰ میلادی اشاره کرد.

۱. «ماده ۳- هیچ‌کس نباید تحت شکنجه، رفتار یا مجازات‌های غیرانسانی و تحقیرآمیز قرار گیرد.»

دیوان در قضیه کشتیرانی و حقوق مربوط به آن بیان کرد «زمانی که طرفین معاهده از عبارات نوعی استفاده می‌کنند، از این موضوع اطلاع دارند که عبارات در گذر زمان دچار تغییر می‌شوند. بنابراین زمانی که معاهده برای یک بازه زمانی طولانی لازم‌الاجراست؛ طرفین به‌عنوان یک قاعده کلی باید فرض کنند، این عبارات را در معنایی که تکامل پیدا می‌کنند، اراده کرده‌اند» (ICJ Rep, 2009: Para. 146-155). بنابراین باید گفت، تحولات جوامع حتی بر رویه مراجع قضایی نیز تأثیرگذار است و این مراجع سعی می‌کنند با بهره‌گیری از تفسیر پویا، میان میل به ثبات نظام حقوقی و تغییرات جوامع تعادل ایجاد کنند. البته از این اصل در حقوق بین‌الملل نسبت به حقوق داخلی بیشتر استفاده می‌شود؛ زیرا در حقوق داخلی، تصویب قانون به‌سختی تصویب معاهدات در حقوق بین‌الملل نیست. به‌نظر می‌رسد این اصل می‌تواند تا حدی پاسخگوی سرعت بالای تغییرات فضای سایبر در مقابل روند آهسته تصویب معاهدات و قوانین نیز باشد.

۲.۴. روند شکل‌گیری نظام حقوقی مبتنی بر فضای سایبر

با توجه به ویژگی پویایی نظام‌های حقوقی می‌توان گفت که در آینده‌نچندان دور، فضای سایبر نظام حقوقی ویژه خود را خواهد داشت. در واقع اگر نظام حقوقی را مجموعه‌ای از قواعد و قوانین در نظر بگیریم، روشن می‌شود که نظام‌های حقوقی در خلأ به‌وجود نمی‌آید بلکه همواره قواعد حقوقی پس از وقایع حقوقی شکل می‌گیرد. به‌عبارت دیگر نخست باید یک مسئله در سطح جامعه ایجاد شود تا سپس به مرور، نظام حقوقی متناسب با آن شکل گیرد. در مورد فضای سایبر نیز با نگاهی به روند قانونگذاری در سطوح ملی و بین‌المللی، حرکت نظام‌های حقوقی به سمت ایجاد یک نظام حقوقی مبتنی بر ویژگی‌های فضای سایبر کاملاً مشهود است. برای مثال در ج.ا.ا، نخست نیازی به قانونگذاری جداگانه برای فضای سایبر احساس نمی‌شد، اما با ثبت نخستین بزه رایانه‌ای در خردادماه ۱۳۷۸ که در آن یک دانشجوی رشته رایانه و یک کارگر چاپخانه، چک‌های تضمینی را جعل می‌کردند و سپس با وقوع جرائمی مانند جعل اسناد دولتی و دستگیری برخی از وبلاگ‌نویسان به اتهام نوشتن مطالب در سایت‌ها و همچنین نقض حق تألیف، دولت با فیلترینگ سایت‌ها و کنترل سرعت اینترنت به‌دنبال تعاریف و مصادیق تازه‌ای از بزه‌های رایانه‌ای برآمد (فریبرز، ۱۳۹۰: ۱۶۰). بنابراین می‌توان گفت در اواخر دهه هفتاد و با تشکیل پرونده‌های زیادی که بیشتر پیرامون بزه‌های مربوط به نقض حق تألیف و ترجمه و بزه‌های مطبوعاتی از طریق واسطه‌های الکترونیکی بود؛ قانونگذار ج.ا.ا، مسیر قانون‌گذاری در فضای

سایبر را با دو «قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای» و «قانون اصلاح قانون مطبوعات»^۱ هر دو مصوب ۱۳۷۹ یافت (عالی‌پور، ۱۳۹۵: ۱۳۹). در واقع این قوانین در زمره نخستین تلاش‌های قانون‌گذار جهت سازگاری نظام حقوقی با فضای سایبر بود. پس از آن نیز قوانین و مقررات دیگری در این زمینه تصویب شده‌اند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به «قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح»^۲، «قانون تجارت الکترونیکی» و در نهایت «قانون جرائم رایانه‌ای» اشاره کرد.

از بعد ساختاری نیز می‌توان به تشکیل «شورای عالی فضای مجازی» اشاره کرد که بر اساس فرمان رهبری به‌عنوان نقطه‌ی کنونی متمرکزی برای سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و هماهنگی در فضای سایبری کشور به‌وجود آمده است. شایان ذکر است «چهار شورا قبل از تشکیل شورای مذکور در عرصه سیاست‌گذاری فناوری اطلاعات و ارتباطات وظیفه قانونی داشتند که عبارت‌اند از: ۱. شورای عالی فناوری اطلاعات، ۲. شورای عالی انفورماتیک، ۳. شورای عالی اطلاع‌رسانی و ۴. شورای افتا. از بین شوراهای ذکر شده تنها شورای عالی فناوری اطلاعات بر اساس مصوبه قانونی مجلس تشکیل شده است، ولیکن بقیه شوراها بر اساس مصوبات شورای انقلاب، شورای عالی انقلاب فرهنگی و هیأت وزیران تشکیل شده‌اند» (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۳: ۱). در این خصوص باید گفت تا پیش از تشکیل شورای عالی فضای مجازی، ساماندهی این فضا با بی‌نظمی و اختلال همراه بود، ولیکن با تشکیل شورای مزبور و انحلال برخی از نهادهای هم‌عرض تا حدودی سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و هماهنگی در فضای سایبر متمرکز شد. در سطح بین‌المللی نیز «کنوانسیون جرائم سایبری»، نخستین پیمان بین‌المللی است که تلاش می‌کند تا از طریق هماهنگی میان قوانین ملی و افزایش همکاری بین‌ملتها به رسیدگی به جرائم سایبری بپردازد. در واقع ماهیت به‌هم‌پیوسته فناوری مدرن، موضوع جرائم سایبری را به چالشی بین‌المللی تبدیل کرده است؛ از این رو هم این موضوع و هم اهمیت هماهنگی بین‌المللی در عرصه مبارزه با جرائم سایبری، سبب به‌وجود آمدن کنوانسیون مذکور شد. البته کنوانسیون تمام جرائم مرتبط با محیط سایبر را شناسایی نکرده، ولی سازوکاری را برای اصلاح در نظر گرفته که این سازوکار قبلاً در رابطه با پروتکل الحاقی درباره اعمال نژادپرستانه و بیگانه‌هراسانه استفاده شده است و در حال حاضر نیز مبنای بحث در مورد پروتکل الحاقی در رابطه با دسترسی فرامرزی به داده‌هاست (Clough, 2014: 698-702). شایان ذکر است با توجه به سرعت بالای تحولات در فضای سایبر، این کنوانسیون و به‌طور کلی معاهدات و قوانین مربوط نمی‌توانند به‌تنهایی پاسخ مناسبی برای ساماندهی این فضا باشند. علاوه بر این

۱. با الحاق تبصره ۳ به ماده ۱ قانون مطبوعات، همه نشریات الکترونیکی نیز مشمول این قانون شدند.

۲. ماده ۱۳۱ این قانون در خصوص برخی از بزه‌های وابسته به داده و اطلاعات است.

دامنه شمول این کنوانسیون محدود به کشورهای اروپایی است و از این رو با گستردگی فضای سایبر نیز همخوانی ندارد و اجرای آن را در عمل با مشکلات بسیار مواجه می‌کند.

۳.۴. ابزارهای حقوقی تنظیم فضای سایبر

در این حوزه باید گفت که هرچند تمسک به قانونگذاری و رویه قضایی برای ساماندهی فضای بی‌انتهای سایبر ضروری است؛ ولیکن صرف استفاده از روش‌های حقوقی مرسوم یعنی قانون‌گذاری و رویه قضایی برای نظم‌بخشی به این پدیده جدید کافی نیست. در واقع «فضای سایبر مطابق با طراحی اولیه خود، باید یک فضای باز، غیرمتمرکز و مشارکتی باقی بماند و مقررات قانونی نباید مانع غیرمتمرکز و مشارکتی بودن این فضا شود» (Goldsmith, Wu, 2006: 23). بنابراین با توجه به این ویژگی‌ها و همچنین با توجه به تحولات سریع فضای سایبر، ساماندهی این فضا از طریق «سیستم بالا به پایین» که همان استفاده از قانونگذاری و رویه قضایی است، در بیشتر موارد نامناسب است. از این رو سیستم دیگری به نام «سیستم از پایین به بالا» مطرح می‌شود (Hardy, 1994: 1054) که با ویژگی‌های این فضا نیز سازگارتر است و در واقع متمایل به اعمال حقوق نرم بر فضای سایبر، در وهله نخست است.

بر این اساس در مرتبه نخست، بهترین اقدام برای ساماندهی فضای سایبر آن است که اقدامات بالا به پایین یعنی تمسک به قانونگذاری و رویه قضایی صورت نگیرد. در واقع در مرحله نخست بهترین فعل، ترک فعل است، زیرا فرایند طولانی شکل‌گیری قانون و رویه قضایی با ماهیت پیوسته در حال تحول فضای سایبر، سازگار نیست. ترک فعل سبب می‌شود که افراد به‌طور خودجوش از آنچه در این فضا برای آنها آزاددهنده است، اجتناب کنند. در واقع در این حالت، کنترل فضای سایبر به کاربران آن واگذار می‌شود (Hardy, 1994: 1054). شایان ذکر است، مهم‌ترین روش در این زمینه خودتنظیمی است. درباره خودتنظیمی باید گفت که این روش پیوسته خود را با تحول و تکامل فضای سایبر وفق می‌دهد؛ از این رو تعریف آن بسته به میزان دخالت دولت و درک عمومی از روابط بخش خصوصی و دولتی، متفاوت است (Price & verhulst, 2000: 3)، اما به‌طور کلی خودتنظیمی در معنای عام بر جدایی فضای سایبر از دنیای واقعی تأکید دارد و بر آن است که این فضا باید فراتر از کنترل دولت‌ها، اداره شود. البته استفاده از این روش با مزایا و محدودیت‌هایی همراه است. کاهش هزینه‌های اجرای قانون، تبعیت حداکثری کاربران از آن و انعطاف‌پذیری بالا، مهم‌ترین مزایای روش خودتنظیمی است. در واقع در این روش، نه تنها هزینه‌های مربوط به نهادهای مجری قانون حذف می‌شود، بلکه کاربران نیز قواعد ناشی از این روش را نسبت به قواعد تحمیل‌شده از سوی دولت، راحت‌تر می‌پذیرند (Machill &

23-29: waltermann, 1999). به علاوه انعطاف‌پذیری بالای این روش، سبب شده است تا بهترین روش برای پشتیبانی از ساختار باز و غیرمتمرکز و سرعت بالای تحولات در فضای سایبر به‌شمار آید (Price & verhulst, 2000: 4). البته روش خودتنظیمی در کنار مزایای مذکور، معایبی نیز دارد از جمله نبود تعریف دقیق از آن، نبود ضمانت‌اجرای کافی و عدم وجود اقدامات پیشگیرانه در مقابله با بزه. بنابراین این روش ابزارهای لازم برای حمایت از قواعد خود در فضای سایبر را ندارد (Machill & waltermann, 1999: 23-29) و نمی‌تواند به‌تنهایی ساماندهی فضای سایبر را بر عهده بگیرد.

روش بعدی که در صورت عدم کفایت خودتنظیمی از آن سخن رانده می‌شود، آن است که از طریق انعقاد قرارداد بین اشخاص و شرکت‌های خدمات‌دهنده، سعی در تنظیم این فضا شود. ولیکن قراردادها نیز در صورتی که تأثیرات خارجی گسترده رخ دهد، اثر خود را از دست می‌دهند. بنابراین در این حالت ناگزیر باید به قانون و رویه قضایی رجوع کرد. برای مثال حالتی را فرض کنیم که شخصی از طریق ایمیل، پیام‌های افتراآمیز برای شخص ثالث ارسال می‌کند. در چنین موردی که تأثیر اصلی آن صدمه به اشخاص ثالث خارج از قرارداد است، فقط بهره بردن از راه‌حل قانونی یا رویه قضایی راهگشاست (Hardy, 1994: 1054). در این حالت نیز با توجه به اشکالات ناشی از حاکمیت قوانین مختلف بر فضای سایبر، بر تصویب معاهدات بین‌المللی و ایجاد رویه قضایی در سطح کشورها تأکید می‌شود ولیکن در مقابل، پیروان حاکمیت انحصاری دولت بر فضای سایبر «با پذیرش مفهوم وستفالیایی حاکمیت برآند که دولت بهترین نهاد حاکمیتی موجود در فضای سایبر است» (ضیایی و شکیب‌نژاد، ۱۳۹۵: ۲۲۸) و از این رو مرجع صالح برای قانونگذاری و ساماندهی فضای سایبر است.

شایان ذکر است زمانی که از لزوم وجود یک نظام حقوقی جدید برای فضای سایبر صحبت می‌شود، مراد تنها قوانین و رویه قضایی و دیگر شیوه‌های مذکور نیست؛ بلکه این فضا نهاد‌های ویژه خود را نیز می‌طلبد. در واقع فضای سایبر نیازمند نظام حقوقی مختص به خود، هم از لحاظ راهبردی و هم از لحاظ ساختاری، است. بر این اساس با توجه به تخصصی و فنی بودن مباحث مرتبط، نهادهایی برای سامان‌دهی آن نیاز است. همچنین نهادهایی برای تسهیل همکاری در سطح دولت‌ها برای هم‌ساز سازی حقوقی نیز لازم است.

۵. نتیجه

گسترش روزافزون استفاده از فضای سایبر، چالش‌های بسیاری در مورد ارتباط فضای سایبر و حقوق پیش کشیده است. در این زمینه یکی از مهم‌ترین عرصه‌ها، پیوند نظام حقوقی و فضای سایبر است. در خصوص پیوند این دو، رویکرد اصلی آن است که نظام‌های حقوقی موجود تاب ساماندهی فضای سایبر را

ندارند. مهم‌ترین دلایل در این رویکرد، تحول مفهوم حق و تکلیف، وابستگی نظام‌های حقوقی به بسترهای اجرا و پویایی نظام‌های حقوقی است. در مقابل نیز رویکرد مخالفی وجود دارد که تأکید بر ویژگی‌های خاص فضای سایبر و تولد موضوعات جدید را اغراق‌آمیز می‌داند و با تأکید بر چهره ابزاری فضای سایبر و ظرفیت‌های نظام حقوقی بر آن است که با نظام‌های حقوقی موجود نیز می‌توان فضای سایبر را ساماندهی کرد. با بررسی دو رویکرد مذکور به‌نظر می‌رسد، اتخاذ رویکرد میانه در این زمینه راه‌حل بهتری است. در واقع برای تنظیم و قاعده‌مندسازی فضای سایبر باید ویژگی‌های فضای سایبر و ظرفیت‌های نظام حقوقی را در کنار یکدیگر نگریست. بنابراین:

یکم، در خصوص پاسخ به پرسش‌های جدید ناشی از فضای سایبر باید گفت که در این زمینه از یک سو تمایل وجود دارد که همه مسائل به‌طور دقیق در قوانین و مقررات پیش‌بینی شود و از سوی دیگر وضع قوانین مختلف برای هر وضعیتی سبب ایجاد سردرگمی بین کاربران می‌شود؛ از این‌رو باید میان موضوعات تازه از غیر آن تفکیک قائل شد و وضع قواعد جدید را به موضوعات جدید، منحصر کرد؛ از این طریق هم حوزه‌های نیازمند قانونگذاری و ابزارهای لازم برای تنظیم این فضا مشخص شود و هم بدنه نظام حقوقی نسبتاً پایدار باقی بماند. به‌عبارت بهتر در فضای سایبر برخی از مسائل مطرح، همان مسائل دنیای واقعی با همان الزامات هستند که فقط در یک محیط جدید رخ داده‌اند؛ بنابراین می‌توان به آنها در چارچوب نظام حقوقی موجود پاسخ داد اما برخی از مسائل، سابقه‌ای در نظام حقوقی موجود ندارند و یا (مانند ارسال پیام‌های اسپم) در این فضا، بسیار بیشتر از دنیای واقعی رخ می‌دهند و از این‌رو حل آنها با نظم موجود ممکن نیست و پاسخگویی به آنها نیازمند وضع قوانین و مقررات جدید است.

دوم، در خصوص روش‌های تنظیم فضای سایبر باید گفت که پیروان حاکمیت انحصاری دولت در فضای سایبر، گرایش به کنترل حداکثری این فضا از سوی دولت از طریق وضع قوانین و مقررات و ایجاد نهادهای ملی دارند؛ ولیکن این روش علی‌رغم دارا بودن مشروعیت نسبی، سبب ایجاد تعارض در حاکمیت قوانین و مقررات مختلف و مشکلات ناشی از آن می‌شود. در مقابل نیز پیروان حقوق بشر و نهادهای فنی فضای سایبر در مرتبه نخست، به نظام حقوقی خودجوش و در مرتبه بعدی به تصویب معاهدات و ایجاد سازمان‌های بین‌المللی گرایش دارند که این روش‌ها نیز با اینکه با ویژگی‌های منحصربه‌فرد فضای سایبر سازگارتر است، اما با مشکلاتی چون فقدان ضمانت‌اجرا روبه‌روست؛ از این‌رو با توجه به این که هر یک از روش‌های مذکور وجوه گوناگونی دارند، بهتر آن است که ترکیبی از این روش‌ها بسته به موضوعات مطرح در فضای سایبر به‌کار گرفته شود. بدین صورت می‌توان محدودیت‌های ناشی از هر یک از روش‌های مذکور را به حداقل رساند و از این طریق همه فعالان و بازیگران عرصه سایبر را نیز تشویق به همکاری کرد.

منابع

۱. فارسی

الف) کتابها

۱. اشپیل فوگل، جکسون جی (۱۳۹۳). تمدن مغرب‌زمین. محمدحسین آریا. تهران: امیرکبیر.
۲. بشیریه، حسین (۱۳۸۳). عقل در سیاست. تهران: نگاه معاصر.
۳. بیگس، برایان (۱۳۸۹). فرهنگ نظریه حقوقی. محمد راسخ، تهران: نی.
۴. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۰). جغرافیای سیاسی فضای مجازی. تهران: سمت.
۵. عالی‌پور، حسن (۱۳۹۵). حقوق کیفری فناوری اطلاعات. تهران: خرسندی.
۶. عقیقی، نگار (۱۳۹۶). صلاحیت در فضای مجازی در حقوق بین‌الملل. تهران: شهر دانش.
۷. قاجارقیونلو، سیامک (۱۳۹۱). مقدمه حقوق سایبر. چ اول، تهران: میزان.
۸. قاضی شریعت‌پناهی، سید ابوالفضل (۱۳۹۲). بایسته‌های حقوق اساسی. تهران: میزان.
۹. کدخدایی، عباسعلی و وکیل، امیرساعد (۱۳۹۴). حقوق شهروندی در اینترنت، تهران: جاودانه.

ب) مقالات

۱۰. انصاری، باقر (۱۳۹۹). حق دسترسی به اینترنت: مبانی و محتوا. مجله حقوقی دادگستری، ۱۱۲، ۵۱-۸۰.
۱۱. تفضلی فریدون (۱۳۸۵). نظام سرمایه‌داری از دیدگاه کارل مارکس و ماکس وبر. مجله پیک نور، ۴، ۷۹-۹۲.
۱۲. جاوید، محمدجواد و انواری، محمدعلی (۱۳۸۹). مفهوم‌شناسی حق و تکلیف انسانی در عصر قدیم و جدید. فصلنامه حقوق، ۲، ۶۵-۸۳.
۱۳. جلالی فراهانی، امیرحسین (۱۳۸۶). محدودیت‌ها و مزیت‌های فضای سایبر. مجله حقوقی دادگستری، ۵۹، ۶۱-۱۰۰.
۱۴. خانیکی، هادی و بابایی، محمود (۱۳۹۰). فضای سایبر و شبکه‌های اجتماعی. فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات جامعه اطلاعاتی، ۱، ۷۱-۹۶.
۱۵. شایگان، فریده (۱۳۹۵). اعمال حقوق بی‌طرفی در فضای سایبر. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، ۲، ۳۳۷-۳۵۷.
۱۶. ضیایی، سید یاسر و شکیب‌نژاد، احسان (۱۳۹۶). رویکرد قانونگذاری در فضای سایبر: رویکرد حقوق بین‌الملل و حقوق ایران. مجله حقوقی بین‌المللی، ۵۷، ۲۲۷-۲۴۷.
۱۷. عالی‌پور، حسن و یکرنگی، محمد (۱۳۹۷). حاکمیت قانون اساسی در رویارویی بزه رایانه‌ای. مجله حقوقی دادگستری، ۱۰۲، ۸۱-۱۰۸.

۱۸. فریبرز، الهام (۱۳۹۰)، سیر تحول قوانین مرتبط با جرائم رایانه‌ای در ایران و جهان. فصلنامه تخصصی فقه و تاریخ تمدن، ۲۷، ۱۵۷-۱۸۵.
۱۹. قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۸۰). تحلیل مفاهیم کلیدی حقوق بشر معاصر حق، تعهد، آزادی، برابری و عدالت. مجله تحقیقات حقوقی، ۳۳ و ۳۴، ۲۰۹-۲۶۵.
۲۰. گلدینگ، مارتین پی (۱۳۹۸). مفهوم حق: درآمدی تاریخی» در محمد راسخ، حق و مصلحت: مقالاتی در فلسفه حقوق، فلسفه حق و فلسفه ارزش، تهران: نی، ۱۷۹-۱۹۵.
۲۱. ویژه، محمدرضا (۱۳۸۳). مفهوم تعهدات مثبت در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر. نشریه الهیات و حقوق، ۱۳، ۱۰۹-۱۳۰.
۲۲. ویسی، هادی (۱۳۸۸). جهانی شدن و نفوذ مرزها در فضای مجازی. فصلنامه رشد آموزش جغرافیا، ۲، ۱۰۹-۱۳۰.

ج) گزارش‌ها

۲۳. گزارش اظهارنظر کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی: «طرح ادغام شورای عالی فناوری اطلاعات در شورای عالی فضای مجازی و حذف ماده (۴) قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات» (۲۲ دی ۱۳۹۳).

۲. انگلیسی

A) Books

1. Goldsmith, J., & Wu, T. (2006). *Who Controls the Internet? Illusions of a Borderless World*. Oxford University Press.
2. Leenes, R. E., Koops, Bert-Jaap, De Hert, P. (Eds.) (2008). *Constitutional Rights and New Technologie.: A Comparative Study*. The Hague, Asser Press.
3. Lessig, L. (2006). *Code: Version 2.0*, New York, Basic Books.
4. Machill, M., & Waltermann, J. (1999). *Self-regulation of Internet content*, Gütersloh, Bertelsmann Foundation.
5. Naughton, J. (2000). *A Brief History of the Future: the origins of the Internet*, Phoenix.
6. Nicholas, Tsagourias (ed.); Russell Buchan (ed.) (2015). *Research Handbook on International Law and Cyberspace*, Cheltenham, Edward Elgar Publishing.
7. Odello, M., & Cavandoli, S. (eds.), (2014). *Emerging areas of human rights in the 21st century: the role of the universal declaration of human rights*. London, Routledge.
8. Orianne, P. (1983). *Introduction au système juridique*. Bruxelles, Bruylant; Louvain-la-Neuve: Université catholique de Louvain.
9. Price, M., & Stefaan, V. (2005). *Self-Regulation and the Internet*. Alphen aan den Rijn, Kluwer Law International.

B) Articles:

10. Akehurst, M. (1973). Jurisdiction in International Law. *British Year Book of International Law*, 46, 145-258
11. Clough, J. (2014). A World of Difference: The Budapest Convention of Cybercrime and the Challenges of Harmonisation. *Monash University Law Review*, 40, 698-736.
12. De Hert, P.J.A, Kloza, D. (2012). Internet (access) as a new fundamental right. Inflating the current rights framework?. *European Journal of Law and Technology*, 3. Available at <https://ejlt.org/index.php/ejlt/article/view/123/268>.
13. First, P. F., Hart, Y. Y (2002). Access to cyberspace: The new issue in educational justice. *Journal of Law & Education*, 31, 385-411.
14. Gitter, H. (1993). Self-Help Remedies for Software Vendors. *Santa Clara Computer and High Technology Law Journal*, 9, 413-429.
15. Goldsmith, J. (1998). Against Cyberanarchy. *University of Chicago Law Occasional Paper*, 65, 1198-1250.
16. Hardy, T. (1994). The Proper Legal Regime for Cyberspace. *University of Pittsburgh Law Review*, 55, 1993-1055.
17. Johnson, David & Post, D. (1996). Law and borders: The Rise of Law in Cyberspace. *Stanford Law Review*, 48, 1367-1402.
18. Kuner, C. (2009). An international legal framework for data protection: Issues and prospects. *Computer Law & Security Review*, 25, 307-317.
19. Pasquale, F., & Cockfield, A. (2018). Beyond Instrumentalism: A Substantivist Perspective on Law, Technology, and the Digital Persona. *Michigan State Law Review*. 821-868.
20. Skepys, B. (2012). Is There a Human Right to the Internet?. *Journal of Politics and Law*, 5, 15-29.
21. Westen, P. (2018). Poor Wesley Hohfeld. *San Diego Law Review*, 55, 537-596.

C) Documents

22. Convention on Cybercrime, Budapest, 23 November 2001.
23. DIRECTIVE 95/46/EC OF THE EUROPEAN PARLIAMENT AND OF THE COUNCIL of 24 October 1995 on the protection of individuals with regard to the processing of personal data and on the free movement of such data.
24. REGULATION (EU) 2016/679 OF THE EUROPEAN PARLIAMENT AND OF THE COUNCIL of 27 April 2016 on the protection of natural persons with regard to the processing of personal data and on the free movement of such data, and repealing - Directive 95/46/EC (General Data Protection Regulation).
25. U.S. Department of Commerce: FALLING THROUGH THE NET: TOWARD DIGITAL INCLUSION, A REPORT ON AMERICANS' ACCESS TO TECHNOLOGY TOOLS, (October 16, 2000).

D) Case

26. Case Concerning Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay), ICJ Reports, 2010.

27. Dispute Regarding Navigational and Related Rights (Costa Rica v. Nicaragua), ICJ Reports, 2009.
28. Jankovskis v. Lithuania (Application no. 21575/08), European Human Rights Reports, 2008.
29. Tyrer v. The United Kingdom (Application No. 5856/72), European Human Rights Reports, 1978.

E) Internet

30. www.internetworldstats.com/stats.htm accessed 30 Dec 2020.
31. www.lexico.com/en/definition/cyberspace
32. www.nytimes.com/2001/03/15/technology/welcome-to-the-web-passport-please.html